

■ ۲۵ اسفند

درگذشت سیداحمد خمینی



۲۵ اسفند عموماً یادآور درگذشت سیداحمد خمینی، دومین پسر امام خمینی (ره)، رهبرکبیر انقلاب اسلامی است. در صبحگاه روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳، خبر بستری شدن

سید احمد منتشر شد. گزارش‌های بعدی حاکی از آن بود که عارضه قلبی و تنفسی در حالت خواب سبب ایست کامل قلب و تنفس برای لحظاتی گردیده و همین امر نیز موجب بروز سکنه مغزی شده است. پس از پنج روز، تلاش تیم پزشکی نتیجه نبخشد و او در شامگاه ۲۵ اسفند در ۴۹ سالگی چشم بر جهان فرو بست.

■ ۵ فروردین

صدور فتوای تحریم تنباکو

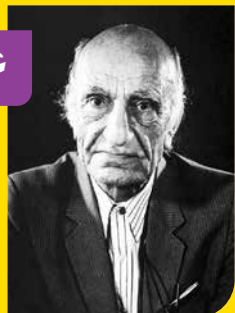


پس از اعطای امتیاز انحصار توتون و تنباکو به کمپانی رژئی در چهار شهر ایران، مردم به پیشتازی چهار نفر از شاگردان میرزای شیرازی دست به اعتراضات گسترده‌ای

زدند. حکم تاریخی میرزای شیرازی در معاهده انحصار تنباکو در زمان ناصرالدین شاه چنان مردم را به صحنه کشاند که شاه قاجار، مجبور به فسخ قرارداد تنباکو گردید. با صدور این حکم، مردم مبارزه سیاسی علیه قرارداد استعماری مذکور را یک وظیفه شرعی دانسته و به مخالفت شدید پرداختند.

■ ۵ فروردین

وداع با باستانی پاریزی



محمدابراهیم باستانی پاریزی، تاریخ‌دان، نویسنده، پژوهشگر، شاعر، موسیقی‌پژوه، استاد دانشگاه تهران و از درویشان گنابادی بود. در ۱۳۳۰ از دانشگاه

تهران فارغ‌التحصیل شد و برای انجام تعهد دبیری به کرمان بازگشت. باستانی پاریزی دوره دکترای تاریخ را هم در دانشگاه تهران گذراند. او کار خود را در دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۸ با مدیریت مجله داخلی دانشکده ادبیات شروع کرد. باستانی پاریزی صبح روز سه‌شنبه پنجم فروردین ۱۳۹۳ پس از یک ماه بیماری کبد درگذشت.

در خانه و بند پوتین هایش را آرام‌آرام بست. همیشه این کار را داخل ماشین می‌کرد. بعد مهدی را بغل کرد. مصطفی را هم من بغل کردم و راه افتادیم. توی راه خندید. «حاج همت سوار ماشین شد و رفت در حالی که همان لحظه همسرش احساس دلتنگی کرد و اشک‌هایش جاری شد. او خودش را دل‌داری می‌داد که «برمی‌گردد. مثل همیشه. آن قدر نماز می‌خوانم و دعا می‌کنم که برگردد».

حاج همت به روایت حاج قاسم

شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در خصوص همت گفته است: «وقتی شهید همت به ذهن من می‌آید، دلم مملو از غصه می‌شود. او فرمانده لشکر پایتخت بود. اما در خیبر آن قدر رزمندگان لشکرش شهید و مجروح شدند که به گردان رسید. گردان را از طلائی به جزیره مجنون جنوبی منتقل کرد و تبدیل به دسته شد. «شهید همت در جریان عملیات خیبر به هم‌رزمانش گفته بود: «باید مقاومت کرده و مانع از بازپس‌گیری مناطق تصرف شده، توسط دشمن شد. یا همه این‌جا شهید می‌شویم و یا جزیره مجنون را نگه می‌داریم.»

حاج ابراهیم همت سرانجام بر اثر اصابت گلوله توپ در ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ در محل تقاطع جاده‌های جزایر مجنون شمالی و جنوبی به شهادت رسید. حاج قاسم سلیمانی در خصوص نحوه شهادت شهید همت می‌گوید: «در ترک موتور نه در بنز ضدگلوله و در فضای ویژه. همت در ترک موتور ناشناس در ضلع وسطی جزیره مجنون شهید شد و بیش از ۲ ساعت کسی نمی‌دانست آن‌که افتاده همت است. برادرها طاق این است... امتحان این است... و این‌گونه است که او امروز بر جان‌ها حکومت می‌کند.»

ابتدا قرار بود، شهید همت در قطعه ۲۴ بهشت زهرا تهران دفن شود اما به اصرار خانواده در زادگاهش و در کنار امام‌زاده شاه‌رضا به خاک سپرده شد با این حال در قطعه ۲۴ ردیف ۷۷ شماره ۵۴۲ بهشت زهرا تهران و در کنار مصطفی چمران، عباس کریمی و رضا چراغی سنگ مزاری برای او نصب شد. بسیاری تصور می‌کنند که او در بهشت زهرا دفن شده است. خانم بدیهیان همسر او چنین روایت می‌کند: «ایشان خودشان وصیت کرده بودند که در تهران و گلزار شهدا دفن شوند و آن‌طور که من شنیدم بار آخر که بر سر مزار شهدا در بهشت زهرا رفتند به آقای محسن رضایی نیز این مساله را گفتند و حتی جای قبرشان را نشان دادند اما خانواده ایشان جنازه ایشان را به بهشت شهر رضای اصفهان بردند. «سردار ولی‌الله همت، برادر شهید همت هم می‌گوید: «وقتی ابراهیم شهید شد، بچه‌های لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله می‌خواستند حاجی را تهران در بهشت زهرا دفن کنند، اما مادرم خیلی بی‌تابی کرد و اجازه نداد، بنابراین برای تشییع و تدفین راهی شهرضا شدم اما در بهشت زهرا هم سنگ یادبودی در کنار دیگر فرماندهان بزرگ دفاع مقدس به یادبود شهید همت گذاشتیم.»

همسرش آخرین دیدارش با پیکر همت در سردخانه را چنین توصیف می‌کند: «تو مریمی ما را نمی‌توانستی ببینی، ولی حاضر شدی ما بیاییم تو را این‌طوری ببینیم.» با صدای بلند گریه می‌کرد. می‌دانست باید محکم باشد. به زانوهایش دست کشید. انگار پی چیزی می‌گشت. از آن‌ها که همراهش بودند پرسید: پاهایم کو؟ چرا نمی‌توانم راه بروم؟ و همان‌جا روی خاک نشست.

هوشیاری همت زبان‌زد

خاص و عام بود. در زمان جنگ برای شناسایی دشمن تا پشت سنگرهای دشمن پیش می‌رفت و گاهی نیز همراه نیروهای مقابل سنگرهای دشمن نفوذ می‌کرد. او با تمام قدرت فرمان‌های تحت فرمان خود را بدون کمترین اشکال و مانعی راهی میدان کارزار می‌کرد

صهیونیستی قرار گرفته بودند راهی آن دیار شد و پس از دو ماه حضور در این خطه به میهن بازگشت و در محور جنگ قرار گرفت. با شروع عملیات رمضان در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۱ در منطقه «شرق بصره» فرماندهی تیپ ۲۷ حضرت رسول اکرم (ص) را بر عهده گرفت و بعدها با ارتقای این یگان به لشکر، تا زمان شهادتش در سمت فرماندهی انجام وظیفه کرد. پس از آن در عملیات مسلم‌بن عقیل و محرم با دشمن جنگید. در عملیات والفجر مقدماتی بود که همت، مسئولیت سپاه یازدهم قدر را که شامل لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول‌الله (ص)، لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) بود، بر عهده گرفت.

صلابت و اقتدار فراموش‌نشدنی او و رزمندگان لشکر محمد رسول‌الله (ص) در جریان عملیات خیبر در منطقه طلائی و تصرف جزایر مجنون و حفظ آن با وجود پاتک‌های شدید دشمن، از افتخارات تاریخ جنگ است. مقاومت و پایداری آنان در این جزایر به قدری تحسین‌برانگیز بود که فرمانده سپاه سوم عراق در یکی از اظهاراتش گفته بود: «آن قدر آتش بر جزایر مجنون فرو ریختیم و آن چنان آن‌جا را بمباران شدید کردیم که از جزایر مجنون جز تلی از خاکستر چیز دیگری باقی نیست!» اما همت بدون هراس و ترس از دشمن و با وجود بی‌خوابی‌های مکرر هم‌چنان به ادای تکلیف مبنی بر حفظ جزایر می‌اندیشید و خطاب به بسیجیان می‌گفت: «برادران، امروز مسأله ما، مسأله اسلام و حفظ و حراست از حریم قرآن است. بدون تردید یا همه باید پرچم سرخ عاشورایی حسین (ع) را به دوش کشیم و قداست مکتب‌مان، مملکت و ناموس‌مان را پاسداری و حراست کنیم و با گوشت و خون به حفظ جزیره، همت نماییم، یا این‌که پرچم ذلت و تسلیم را در مقابل دشمنان خدا بالا ببریم و این ننگ و بدبختی را به دامن مطهر اعتقادمان روا داریم، که اطمینان دارم شما طالبان حریت و شرف هستید، نه ننگ و بدنامی.»

هوشیاری همت زبان‌زد خاص و عام بود. در زمان جنگ برای شناسایی دشمن تا پشت سنگرهای دشمن پیش می‌رفت و گاهی نیز همراه نیروهای تحت فرمان خود تا مقابل سنگرهای دشمن نفوذ می‌کرد. او با تمام قدرت فرمان‌های تحت فرمان خود را بدون کمترین اشکال و مانعی راهی میدان کارزار می‌کرد. در بستن راه‌های نفوذی دشمن و غافلگیر کردن دشمن مهارتی بی‌نظیر داشت. با شروع عملیات رمضان در ۲۴ تیر ۱۳۶۱ در منطقه شرق بصره، شهید همت فرماندهی تیپ محمد رسول‌الله را برعهده داشت و در عملیات خیبر با نیروهای تحت امر خود با صلابت وارد میدان کارزار شد و تحولی عظیم در منطقه طلائی به وجود آورد و پس از رشادتها و فتوحاتی شگرف حفظ جزایر مجنون را برعهده گرفت. با تمام هستی و توان نظامی خود هرگز صحنه نبرد را رها نکرد. همت آن چنان با جبهه و جنگ عجین شده بود که فرزند کوچکش را تنها یک‌بار در آغوش گرفته بود.

آخرین دیدار

همسرش آخرین دیدار با شهید همت را چنین روایت کرده است: «من دیدم این حاجی با حاجی دفعات قبل فرق می‌کند. همیشه می‌گفت: تنها چیزی که مانع شهادت من می‌شود وابستگی‌ام به شماهاست. روزی که مسأله شما را برای خودم حل کنم مطمئن باش آن وقت وقت رفتن است. وقتی راننده آمد، برای اولین بار حاجی نشست دم